

درو‌نمایه‌های پایداری در سروده اینک دختری میهن من است

جهاد شو‌کری رشید^۱

به‌شی زمانی فارسی، کولجی زمان، زانکۆی سه‌لا‌حه‌ددین - هه‌ولیر، هه‌رێمی کوردستان، عێراق

چکیده

یکی از شاعرانی که اشعار پرمعنایی در زمینه‌ی ادبیات پایداری سروده، شیرکو بی‌کس است. وی در اشعار خود به بررسی مشکلات جامعه‌ی خویش می‌پردازد. شیرکو بی‌کس به دلیل آشنایی با اندیشه‌ها و مشکلات ملت خویش و تأثیرپذیری از مکاتب ادبی غرب، توانسته است درک صحیحی از روزگار خویش داشته باشد و مسائل عصر خود را در قالب شعر بیان کند. از این رو، شیرکو عرصه‌ی ادبیات را به عنوان جولانگاه خویش برگزیده و خشم حاصل از لگدکوب شدن عزت قومی و ملی را با اعتراض به اوضاع جامعه در قالب ادبیات نشان داده و آن را به عنوان حره‌ی ای پویا و تأثیرگذار در فعالیت اجتماع و بالطبع تأثیرپذیر از جریان‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به کارگرفته است. او به عنوان یک شاعر متعهد در عرصه ادبیات با تعهد آگاهانه‌ی خود، مسأله مقاومت و بیداری ملت کورد را در شعر خویش منعکس نموده است. بر این اساس، در این پژوهش تلاش بر آن است تا با روشی توصیفی تحلیلی به بیان و رمزگشایی نمادها و مؤلفه‌های پایداری در اثر "اینک دختری نیستان من است" پردازم و در خلال آن به مهم‌ترین جلوه‌های ادبیات پایداری در این اثر اشاره کنم. نتایج حاصل آمده از این پژوهش نشان خواهد داد که شیرکو بی‌کس در ورای چهره‌ی سیاسی خویش، شاعر و ادیبی متعهد، ظلم ستیز و آزادی خواه است که در ادبیات پایداری، حضوری فعال دارد و در آثار ادبی او می‌توان بن‌مایه‌هایی از مقاومت و بیداری را مشاهده کرد، از این جهت که این سروده وجه اعتراضی و انقلابی به خود پندرفته و شاخصه‌های شعر مقاومت را در خود جای داده است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات پایداری، سروده اینک دختری میهن من است، شعر کردی، شیرکو

۱. مقدمه

سلاح و تفنگ قرار می‌گیرد^۱ و این در حالی است که تأثیر سلاح و تفنگ محدود به عرصه‌ی جنگ است؛ اما تأثیر سخن ادبیات مقاومت، پیوسته ادامه دارد» (حسین، ۱۹۷۲، ۱۲) و از آنجایی که اندیشه‌ی پایداری در دوران خاصی از تاریخ ملتی یا قومی به وجود می‌آید و هدف آن ایجاد روحیه‌ی مبارزه و پایداری در مردم است که به شرح پایداری جهت به دست آوردن آزادی و از بین بردن جور و ستم و بیرون راندن متجاوزان از سرزمین و میهن اشاره می‌کند، اشعار شیرکو نیز از این قاعده مستثنی نیست. وی در اشعارش برای بیداری مردم از خواب غفلت، فریاد اعتراض برآورده و در مراتب ظلم حکام که مردم روزگار را به ستوه آورده، قد علم کرده است.

وی برای بیان اعتراض خود نسبت به اوضاع سیاسی و اجتماعی از مضامین یکسانی چون: اعتراض به نبود آزادی، انتقاد از بی‌کفایتی حاکمان، دعوت به قیام و مبارزه با خودکامگی استفاده کرده است. شیرکو در ورای چهره‌ی سیاسی خویش، شاعر و ادیبی متعهد، ظلم ستیز و آزادی خواه است که در مقاومت، حضوری فعال دارد، چنانچه هم‌زمان با توجه داشتن سمت اداری، به عنوان وزیر فرهنگ، دارای ذوق ادبی و شعری وافر بود که همچون او در روزگار معاصر نادر است که در آثار ادبی او می‌توان بن‌مایه‌هایی از مقاومت و بیداری را مشاهده کرد. پژوهش حاضر

اندیشه‌ی پایداری در دوران خاصی از تاریخ ملتی یا قومی به وجود می‌آید و هدف آن ایجاد روحیه‌ی مبارزه و پایداری در مردم است که به شرح پایداری جهت به دست آوردن آزادی و از بین بردن جور و ستم و بیرون راندن متجاوزان از سرزمین و میهن اشاره می‌کند. (صرفی، ۱۳۹۳، ۲۱۱) شیرکو از شاعران برجسته و سرشناس معاصر در ادبیات کردی است که به عنوان شاعر متعهد و ملتمز، اشعارش را در خلعت بیان درد و رنج‌های مردم جامعه‌ی خود، قرار داده است و در این راه از سلاح قلم به بهترین شکل استفاده کرده است. زیرا «ادبیات مقاومت، مقابله با همه‌ی اشکال استعمار و ظلم است که در آن، سخن در جایگاه



گو‌فاری زانکۆی کۆیه بۆ زانسته مرو‌فابه‌تی و کۆمه‌لابه‌تیه‌کان
به‌رگی ۲، ژماره ۲ (۲۰۱۹)

ریک‌کەوتی: وەرگرتن ۶ تەمبوز ۲۰۱۹؛ پەسەندکردن: ۷ تشرینی یەکەم ۲۰۱۹
توزینەمۆی ریک‌خراو: له ۲۸ کانوونی یەکەم ۲۰۱۹ بۆلاوکراوەتەوه.

ئیمەیلی توێژەر: jihad.rashid@su.edu.krd

ماڤی چاپ و بۆلاکردنەوه © ۲۰۱۹ جهاد شو‌کری رشید، گه‌بشتن به‌م توێژینەمۆیه‌ی کراوه‌یه‌ له ژێر
ڕەزەمانەندی - 4.0 BY-NC-ND

جریان های ضد آزادی و ایستادگی در مقابل آنها را نشان می دهد و متضمن رهایی، رشد و بالندگی جامعه های انسانی هستند (آل بویه، ۱۳۹۰، ۲) و در طول تاریخ و در کشاکش تهاجم قدرت ها و مدافع ملت های سلطه ناپذیر، همواره به مثابه سلاحی بازدارنده رخ نموده و زمینه ی احیا، تداوم و بقای فرهنگی جوامع مورد هجوم یا تحت سلطه را فراهم آورده است. (کفانی، ۱۳۶۱، ۱۷) این نوع "ادبیات به حکم سرشت روحی آدمی و محدودیت های همان هستی و امکانات آن که پیوسته بسترهای برای تراجم خواسته ها و برخورد روحی و فیزیکی انسان ها با یکدیگر فراهم می کند، ادبیاتی بسیار پر دامنه است" (کویا، ۱۳۹۰، ۴۰۸) چنانچه "مقاومت انسان را در برابر نیروهایی که شرافت، ناموس و هویت او را نشانه گرفته اند، به تصویر می کشد. ادبیاتی که به انسان انگیزه می دهد تا از خود و کین و حیات خود در برابر نیروهای تهاجم و نابود کننده دفاع کند" (امامی، ۱۳۸۳، ۲۶) و این نوع ادبی "ادبیاتی دغدغه مند، جان آگاه و هوشیار است که موضوع خود را (انسان) قرار داده است و انسان در دایره متکثر خود دارای عواطف، احساسات و حتی دریافت های روانشناسانه مشترک است و این اشتراک معانی به مشترکاتی در ادبیات پایداری همان انجامیده است" (کافی، ۱۳۹۰، ۴۸۵) که در حقیقت مقاومت و پایداری، یکی از پرمعنا ترین رفتارهای انسانی شیرکو به حساب آمده است.

وی در زیست فردی و اجتماعی خویش، خواسته و ناخواسته با دشواری ها و ناخوشایندی های روبه رو شده است که آن ها را برتابیده و به ناچار در برابر آنها ایستادگی و پایداری کرده است. از آنجایی که ادبیات پایداری یکی از چالش برانگیزترین رویکردهای ادبی به شمار می رود که رسالت مهم آن ستیز با همه ی انواع ظلم و ستم یا به کارگیری سلاح قلم و اندیشه راستین است؛ از اینرو، شاعران کورد در هر دوره ای به مثابه ی نخبگان جامعه، نقش بسزایی در آگاهی و بیداری مردم برای دستیابی به آرمان های والا داشته اند و همواره با سلاح قلم، بسیاری از جنبش ها را رهبری می کنند و بدین ترتیب بستری مناسب برای تحولات بنیادین در بطن جامعه فراهم می سازند.

جریان پایداری در شعر شیرکو و دیگر شاعران پایداری کورد، مبتنی بر یک نوع اینتولوزی فکری است که بر اساس آن، فردیت و منیت از قاموس واژگان آن به کلی محو می گردد و جای خود را به واژه ها و اهداف مشترک انسانی می دهد و می کوشد تا صلح عدالت و حق طلبی را جایگزین اعمال خصمانه و استعماری در سطح جهانی نماید. شیرکو که ادراکات فراحسی قوی تری نسبت به سایر شاعران دیگر داشته؛ با سروده های مهیج خود توانسته در تنویر و روشننگری افکار و بیداری احساسات خفته مردم نقش بسزایی داشته باشد.

۲.۲ معرفی شیرکو

شیرکو بیکس در سال ۱۹۴۰ میلادی در شهر سلیمانیه به دنیا آمد. در سن ۱۷ سالگی اولین مجموعه شعر خود را منتشر کرد. سال ۱۹۴۴ به جمع پیشمرگها پیوست و در ایستگاه رادیویی به فعالیت پرداخت. از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۲ به عنوان پناهنده سیاسی در سوئد اقامت نمود. در سوئد، از سوی انجمن قلم این کشور، برنده جایزه ی توخولسکی (Tuckolsky) گردید و از سوی کمیته حقوق بشر ایتالیا لقب "شهروند افتخاری فلورانس" را کسب کرد. در سال ۱۹۹۱ پس از آزادی اقلیم کوردستان عراق، به سرزمین خود بازگشت و به عنوان وزیر فرهنگ حکومت اقلیم کوردستان به فعالیت پرداخت. با آغاز جنگ برادرکشی، از پست

برآن است تا جلوه های بارز پایداری و بیداری در سروده اینک دختری میهن من است از مثال هایی از سروده بررسی کند.

۱.۱ طرح بیان مسأله

این جستار در پی دست یابی به شناخت محتر و بیشتر از ادبیات پایداری، سروده ی شیرکو بیکس؛ «اینک دختری میهن من است» را بررسی کرده تا از این رهگذر به پرسش های زیر پاسخ دهد:

۱. از چه موضوعات و مفاهیمی برای بیداری مردم بهره جسته است؟
۲. درون مایه های ادبیات پایداری در سروده «اینک دختری میهن من است» کدامند؟
۳. شیرکو به کدام یک از انواع ادب پایداری تعلق و علاقه بیشتری دارد؟

۲.۱ ضرورت و اهمیت پژوهش

تحلیل محتوا و اندیشه ی حاکم بر سروده ی اینک دختری میهن من است، از منظر انواع ادبیات پایداری با تکیه بر بسامد به کارگیری درون مایه ها، روش تازه ای است که این شیوه به ما نشان می دهد که شیرکو به کدام یک از انواع ادب پایداری، تعلق و علاقه ی وافری داشته است و در این راستا افق های روشنتری را پدیدار می کند. زیرا درون مایه یکی از مهم ترین ارکان شعر و «دربرگیرنده ی حرف اصلی صاحب اثر، اندیشه ی مرکزی، همان بینی و نگرش اوست» (روشنگر و اسماعیلی و همکاران، ۱۳۸۹، ۲۶۰) و از طرفی هم، جلوه های بیداری و پایداری در سروده ی «اینک دختری میهن من است»؛ محصول قلمی متعهد و ذهنی درد آشناست که شیرکو بیکس به چاشنی ادب، این گونه ی ادبی را در این سروده مزین گردانیده است. از اینرو، بررسی اشعار و افکار شیرکو بیکس به عنوان یکی از چهره های شاخص ادبیات پایداری در ادبیات کوردی که فردی آگاه و دارای بینش سیاسی است؛ ضروری به نظر می رسد. وی به دلیل احساسات صادقانه و با خلق اشعاری کم نظیر جایگاه خاصی را در شعر پایداری به خود اختصاص داده است، که اشعار او را از این حیث مورد بررسی قرار گیرد.

۳.۱ پیشینه پژوهش

در مورد پیشینه این پژوهش باید گفت که هیچ پژوهش مستقلی درباره ی بررسی درونمایه های بیداری و پایداری و مؤلفه های آن در سروده ی «اینک دختری میهن من است» صورت نگرفته است.

۴.۱ روش پژوهش

این پژوهش برآن است تا با رهیافتی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش اسنادی-کتابخانه ای به ترسیم و بررسی جلوه های گوناگون ادب پایداری در سروده ی مورد منکور پردازد و آن را مورد بررسی قرار دهد.

۲. بحث و بررسی

۱.۲ ادبیات پایداری

ادبیات پایداری به سروده ها، نمایشنامه ها، داستان های کوتاه و بلند، قطعات ادبی، طنزها، حسب حال ها، نامه ها و آثاری گفته می شود که روح ستیز با

و ميهني آخا برمي گردد. اين شاعر نوگرا که در جوانی جان فدای آزادی کرد، شعر را چون سلاحي برای مبارزه در دست گرفت. روحیه ی انقلابی، روزنامه نگاری، اشعار تند و صریح شیرکو، او را یکی از چهره های موثر ادب پایداری در دوره ی خویش معرفی کرده است. چنانچه سمت و سوی اجتماعی شعرهای شیرکو، ناظر به ترسیم کستی ها و کزی های جامعه ی خویش است که مهم ترین بن مایه های آن عبارتند از، فساد اداری و اخلاقی رایج در اجتماع، جهل و نادانی عوام، پایمال شدن ارزش های اخلاقی، بی کفایتی دستگاه حکومت و از بین رفتن ثبات و امنیت اجتماعی می باشند. از اینروست که شیرکو دیدگاهی انقلابی و ایده آل طلب دارد که جنبه ای از رمنیتسم است و در برخی موارد به آثارشلیسم کشیده می شود که در هر صورت با بهره گیری از ابزارهای ادبی و آفرینش کلام مؤثر در زمینه ی ادبیات پایداری توانست به تعهد خود در این زمینه عمل کند.

۳. گستره ادبیات پایداری در سروده ی اینک دختری میهن است

شیرکو به عنوان يك شاعر متعدد در عرصه ادبیات با تعهد آگاهانه ی خود، مسأله مقاومت و بیداری ملت کورد را در شعر خویش منعکس نموده است؛ چنانچه وی از جمله شاعرانی است که می توان تأثیرات ادبیات پایداری را در آثار وی مشاهده نمود. در یک نگاه کلی می توان مهم ترین شاخصه ها و مؤلفه های ادبیات پایداری را در ارتباط معنادار در سروده ی "اینک دختری میهن من است" را با عناصری چون: ترسیم چهره ی بیدادگری، ستایش آزادی و آزادگی، ظلم ستیزی، بازنگاری افق های تاریک نابرابری و ناعدالتی، انعکاس مظلومیت مردم و ظلم ستیزی دانست که حال به بررسی این مؤلفه های بیداری در نمونه هایی از سروده ی "اینک دختری میهن است" خواهیم پرداخت:

۱.۳ عشق به وطن

عشق به وطن، یکی از اصلی ترین مؤلفه ها در ادبیات پایداری است که مبارزان را به ادامه دادن جنگ و فداکاری سوق می دهد. در سروده ی اینک دختری میهن من است نیز عشق به وطن در جای جای متن به چشم می خورد. شیرکو به عنوان انسان آزاداندیش و میهن دوست، نسبت به سرنوشت سرزمین خویش احساس تعهد و وظیفه می کند و در این رابطه با تمام توان به دفاع از میهن می پردازد. در اقلیم کوردستان بر اثر جنایت های رژیم بعث، حس همبستگی ملی در میان مردم شکل گرفت و بر پایه ی آن عشق به وطن به عنوان تعلق به سرزمین یا کشوری مستقل بوجود آمد. شیرکو در پرداختن به مسائل وطنی و قومی، اسلوبی خاص و متمایز از دیگر شاعران بکار گرفته است. اشعار او سرشار از شور و شرمش و ترمد است به طوری که عشق به وطن در اشعار او رنگ خشم و غضب به خود گرفته است. وی در این اشعار سرزمینش را که از یک سو، گرفتار طمع غاصبان و متجاوزان خارجی شده و از سوی دیگر در معرض خیانت خائنان و مزدوران داخلی قرار گرفته، با اوصافی تکان دهنده به تصویر می کشد:

"ای میهن تازه به دوران رسیده! در حال حاضر اگر تو بخاطر مشغول بودن به بوییدن نفت و وقت نداشتن بخاطر دوزبازی دمکراسی و / فرصت نداشتن بخاطر کرسی وزارت و سفر خارجه و خلیج... / یادت نباشد! من از چراغ بی نفت بیکارتر / خوب بیاد دارم! ... تو پیش خود چنین انگاشته ای که میهن تمامی درختهای قربانی هستی! / میهن تمامی آخای قربانی هستی! / میهن تمامی برگهای

وزارات استعفا نمود و سپس به فعالیتهای فرهنگی پرداخت. اشعار شیرکو به زبانهای فرانسوی، انگلیسی، عربی، روسی و فارسی ترجمه شده است. شعر شیرکو در دهه هفتاد، تأثیری عمیق بر شعر کوردی و دیگر زبانها داشته است و او را در زمره بزرگترین شعرا و ادیبان دنیا همچون بابلونودا، یانيس ریتوس، جبران خلیل، ادونیس و ... دانست. از مجموعه آثار وی می توان به عقاب، رود، سپیده دم، صلیب و مار، دره ی پروانه، روزنشار یک شاعر، کجاوه ی شیون، گورستان چراغان، سلپاینه و سپیده دم همان، مرا به عشق بسپارید، آینه های کوچک، سروده های سنگی، میهان خزانی، پرتو شعر، گاو آهنگر، گرگ و میش، دو سرود کوهی، رودبار، کشکول پیشمرگ، حاسه عقاب سرخ، دود و مه، آفات، صلیب و مار و روزنشار یک شاعر، سایه، زن و باران، احساس و ادراک، بجنب مردن در شرف رسیدن است، اسبی از گلبرگ شقایق، تار عنکبوت، نگارش با آب خاکستر، و ... اشاره کرد (آمییدان، ۱۳۸۸، ۶-۱۳۴).

شیرکو یکی از شاعران نواندیش و صاحب سبک شعر معاصر در ادبیات کردی است که جنبه های گوناگون شعرش کمتر مورد توجه ادب پژوهان قرار گرفته است. وی به عنوان برجسته ترین شاعر متجدد کورد، چه از نظر وزن شعری و چه از نظر واژگان شعر و درونمایه، تغییرات شگرفی در شعر کوردی به وجود آورد. وی دایره ی لغوی زبان شعر و خانواده کلمات را تا حد چشمگیری دگرگون کرد و از این رهگنر می بینیم که زبان شعری او، متحرک، باز و متنوع است و فضای حاکم بر شعر شیرکو به گونه ای است که با وجود سادگی آن، همواره مخاطب را دلباخته و مبهوت خود می سازد.

۳.۲ شیرکو و شعر پایداری

شیرکو بیکس به عنوان «شاعر و ادیب سیاسی بر مبنای تعهد و بر اساس درک رسالت و مسئولیت، به تولید ادب می پردازد و هیچ نظری به پادش و تشویق های دنیوی ندارد» (وفایی، ۱۳۸۷، ۸۷) وی شاعری صاحب سبک و دارای بیانی انحصاری است که مایه های سیاسی، بیداری و پایداری را با زبانی سالم و در عین حال، سمبولیک و در قالب خاصی عرضه نمود. شعر او از همان آغاز به گونه ای بود که مخاطبان عمومی از طیف های مختلف توانستند با آن، ارتباط فکری و عاطفی برقرار کنند. شیرکو، تأملی خاص در اوضاع و حوادث سیاسی داشته که این وقایع، آبخشور مضامین مختلف و متنوعی در شعر وی گشته و فحوی بسیاری از اشعارش را تشکیل داده است. اشعار شیرکو در عین طرح عیوب و مفساد و معایب اجتماعی، از صبغه هنری و ادبی کلام نیز خالی نمانده است و شاعر در ضمن بیان دردها و مشکلات، تصاویری زنده و جاندار نیز آفریده است. شیرکو به عنوان شاعر پایداری به منظور ایجاد کنش و واکنش جامعه بشری در قبال هر تهدید فیزیکی و روانی به تحریک انگیزه ها روی می آورد تا جامعه خود و کسل را به تحریک و پویایی وادارد و مردم بتوانند در مقابل تهدیدات از خود واکنش و مقاومت نشان دهند. با این وجود شیرکو یکی از بزرگترین شاعرانی است که شعر نو کوردی را به خدمت مفاهیم اعتراضی و سیاسی درآورده است و می توان ادعا نمود یکی از شاعران مطرح است که همت و استعداد شاعری خویش را مصروف سرودن اشعاری نمود که می توان آن ها را ردیف ادبیات پایداری قرار داد. بدون تردید حوادث سیاسی اجتماعی بر شعر تأثیر می گذارد.

شاعر خواه ناخواه از محیط و حوادث جامعه تأثیر می پذیرد. از اینرو، ارزش اشعار شیرکو، پیش از آنکه مدیون جنبه ادبی-هنری باشد، به بعد سیاسی اجتماعی

آراید؛ شیرکو همچون دیگر ادبیات مشرق زمین، به دلیل رشد حرکت های استقلال طلبانه از دولت های بیگانه و یا دولت های استعمارگر منطقه ای و یا خیانت خائنان و مزدوران داخلی، شعر وطنی و دفاع از وطن را در فکر خود جای داده است و بدان توجه نموده است و در حیرت آن است که علی رغم جنایات و خیانت های صورت گرفته در برابر ملت مظلوم کورد، هرگز اعتراف نمی کند:

"این میهن پیر از زمان خلقتش/ حتی به یکی از گناهان خود اعتراف نکرده است/ هرگز نگفته است: یک جوی گلالود داشتیم یا آینه ای دروغگو/ یک گل پژمرده داشتیم یا بویی چندش آور/ یک اسبِ مریض نگه داشته بودم یا یک وقتی درغلتیدم/ تا اینکه آن تعهدم کور بود" (شیرکو، ۲۰۱۲، ۱۶۷).

در حقیقت بسیاری از شعرهای شیرکو، سویه ای اجتماعی و سیاسی دارند و «من شعری» او در این گونه اشعار، صیغه ی اجتماعی می یابد. شیرکو چنان احساس می کند که باید نسبت به آنچه که در اطراف او می گذرد، عکس العمل نشان دهد، به همین سبب؛ روح کلی حاکم بر بیشتر اشعار او عمیقاً اجتماعی و سیاسی است و رخدادهای اجتماعی و سیاسی روزگارش، یکی از زمینه های مهم ادراک شاعرانه ی او را رقم می زند.

۲.۳ نمادپردازی

یکی از برجسته ترین شگردهای هنری در شعر پایداری شیرکو بیکیس، نمادگرایی است. شیرکو برای بازتاب حقایق در سایه ی استفاده از واژگان نمادین اشعار خود را از حالت تک معنایی به سوی چند معنایی سوق می دهد و زمینه ی خوانش های متفاوت از متن و تأمل در معنا و مفهوم شعری را ایجاد می کند. شیرکو برای انتقال مفاهیم خود و یا حتی احساسات و عواطف درونیش از رمز و نماد بهره برده است. وی با نمادپردازی و رمزگرایی و استفاده از خیال های جزئی همچون فن تشخیص، استعاره و تشبیه و نیز ایجاد جو روانی سرشار از غم و اندوه و درد و رنج، حماسه ی دفاع را به تصویر درمی آورد و ملت مظلوم کورد را به بیداری و مقاومت فرا می خواند. وی از جمله شاعرانی است که اندیشه های پایداری در سروده هایش دامنه ی فراگیری داشته و با استفاده ی هنرمندانه از نمادها توانسته است که به ترویج فرهنگ ظلم ستیزی و عدالت محوری و آزادی و... پردازد و نقش مهمی در بیداری ملت کرد ایفا کند. چنانچه با توجه به سروده ی زیر از منظر شیرکو، گرم ابریشم، مظهر رنج و عذاب بشری است و نمادی از عجز انسان در برابر اراده ای است که بر او از سوی کرکس لاشخور و زاغچه که نمادی از انسانهایی که بدون هیچ مشقت و رنجی به ریاست می رسند، حاکم شده است که تمام آمال و آرزوها و همت و تلاشی که در پی داشتند به دست این کرکس های لاشخور به بادی می رود و از دست می دهند:

"روز بخیر! اسم من "گرم ابریشم" است/ اهل "کوره کاژاو" هستم/ خودم و مادرم و پدرم و خواهراتم/ شب و روز ابریشم تولید می کنیم/ اما رنج بباد رفته هستیم/ کرکس لاشخور این منطقه/ همراهِ جمعی زاغچه ی پلیس / هرچه تولید کرده ایم، بسته بنی می کنند و / زیر بغل می زنند و با خود می برند!" (شیرکو، ۲۰۱۲، ۱۷۶-۱۷۷).

شیرکو از شاعران واقع گرا و مردمی است. او در اشعارش از مکتب سمبولسیم بهره ی فرانی برده است. او که علاقه ی وافری به استفاده از نماد و به کاربرد آن در حوزه ی ادبیات پایداری دارد از این ابزار برای نشان دادن ناراضی خود از ظلم و ستم حاکم بر سرزمین کوردستان استفاده کرده است که این امر را می توان نشان

سرخ این تاریخی؟/ ولی بنگر اکنون، تو از حالا طیور و پرند ی باغهای قصر خود را برای ما می آوری، بجای ما آواز بخوانند/ تو فقط گور چراغ پست/ چراغ گوشواره های زنت و گور عینک برادرت را آذین می بنی/ در حالیکه مزار هزاران بوتبار و گوزن و کبک جوان بخاطر اینکه در شجرنامه ی تو نیستند، اسمهایشان از هم اکنون، آدرس و شناسنامه شان را باد برده است و در خلأ فراموشی افتاده اند." (شیرکو، ۲۰۱۲، ۱۴۱-۱۴۴).

در واقع شیرکو با اندیشه ای ژرف به موضوع عدالت طلبی نظر خاصی داشته و با زیبایی، غضب خویش را نسبت به ملت های اشغالگر ابراز می دارد. کلام شاعر با استدلال های ظریف و بدیعی توأم است. شیرکو در سروده ی مذکور، کوردستان را به گونه ای تصویر می کشد که به ذجه و فغان بر می آورد و می نالد، گویی خواب را بر چشم او حرام کرده است و رنج های ملت کورد را بسان شمشری تیز می داند که هر روز بر قلب و بدنش فرو می آید:

"من می شنوم/ اینجا خاک، ذجه و فغان بر می آورد و می نالد و / به اندازه ای از او دزیده اند که از این طرف/ تا آن سر فدرالیسم/ تمام تنش سوراخ سوراخ می باشد." (شیرکو، ۲۰۱۲، ۳۲-۳۳)

در حقیقت، مسائل عاطفی، هرگز شیرکو را از بیان دردهای اجتماعی و سیاست و مسائل موجود در جامعه، غافل نکرده و در این راه برای بیان واقعیت هیچ ترسی به خود راه نداده است. چنانچه روح شیرکو با موجودیت سرزمینش گره خورده است و اوج وطن پرستیش را با قلمش بیان می کند. شیرکو به واسطه ی حس میهن دوستی، از افراد وطن فروش و خودفروخته بیزار بوده و مواردی از این افراد را ذکر نموده و آنها را به عنوان حاکمان و سران و رهبران خودفروش معرفی می کند که چشم های خود را بر جنایت ها و تجاوزها بسته اند:

"وقتی که میهن به جنگلهای مظلوم گوش فرا نمی دارد/ آنگاه سنگ و درخت به حاشا کردن فکر می کنند/ وقتی که میهن / چشم خود در مقابل آنهمه لاشه غدر می بندد/ دردها به مکاری قرمز می اندیشد./ وقتی که میهن از دزدها چشم پوشی می کند/ دزدها به دزدین خود می اندیشند!" (شیرکو، ۲۰۱۲، ۱۶۰).

وطن دوستی و حفظ هویت ملی، سنگ بنای دستیابی به هویت انسانی است. عشق به وطن در اشعار شیرکو با تلاش برای بیداری همت و غیرت هوموطنانش همراه است و وی در این گونه اشعار مردم را به مبارزه دعوت می کند. با ذکر این نکته که لحن شیرکو در این اشعار، قاطعانه و خطابی و کلام او دارای گزاره های امری و سفارشی است. به همین دلیل حالتی دو گانه از شعار و شعر می یابد. این اشعار مخاطب را در برابر شہادت نکوهش، هشدار، مؤاخذه و امیددهی قرار می دهند. و از طرف دیگر، توسل شیرکو به شگردهای شاعرانه و استفاده از نشانه های نمادین و نهایتاً تلاش در برجسته ساختن نقش عاطفی زبان و جملی شاعرانه بدان ها می بخشد که میهن را به مبارزه دعوت می کند:

"ای میهن/ برای اینکه به یک میهن حقیقی تبدیل شوی/ باید از سر و گردن به پایین/ خود را بازشکافی/ باید بارانی دگر در ضمیرت شروع به باریدن کند / و بادی دگر در تو آغاز به وزیدن نماید و / سوختنی دگر و متفاوت/ شبا را به ققنوس کوه تبدیل کند!" (شیرکو ۲۰۱۲، ۱۷۸-۱۷۹).

از مباحثی که همواره زمینه ساز پایداری در برابر دشمن است؛ مبحث عشق به وطن است که در اشعار شیرکو موج می زند. البته این تنها شیرکو نیست که در میان شاعران معاصر کورد به وطن توجه کرده و شعر خود را به عشق وطن می

گور؛/ اما نه فریادی بری دارد و / نه زخمی از آن به درد می آید!" (شیرکو، ۲۰۱۲، ۸۱)

در واقع آنچه در ذهن شیرکو می گذرد و هر لحظه او را در ستیز با بیدادگری خروشان تر می کند، به اعتراض به بی بند و باری و دعوت هم میهنان به قیام و مبارزه است. زیرا ادبیات پایداری؛ ادبیاتی است پرتحرک، پویا و معترض، در خدمت اندیشه های سیاسی و در خدمت انسانیت که بیان کننده ی آرمان های آن ملت است و مجاهدتی که آن ملت در راه سربلندی و استقلال، برای بیرون راندن دشمن از سرزمین خود و یا شکست دادن دشمن صورت می دهد که برای نسل های آینده هم روایت می کند. و «پیامدهای آن، محدود به مرزهای جغرافیایی نیست» (سنگری، ۱۳۸۰: ۹۹) و باید محتوای آن در جهت منافع و خواسته های یک نظام حاکم مستبد نباشد و با زبانی صریح، بدون تأکید بر نوآوری در زمینه های تخیل بیان شود که باید هدفمند و تعلیمی باشد و برای رساندن پیام یا القای موضوعی که مورد نظر شاعر است، نوشته شود. (بصری، ۱۳۷۶، ۲۰).

شایان عنایت است که شعر شامل هیجانان و احساسات درونی است که سیر حرکت آن از درون به بیرون است اما اشعار شیرکو حرکتش از بیرون به درون است و می توان گفت از حوادث و جمع تأثیر می گیرد و بر شعور جمع در ایجاد تهییج و تحریض تأثیر می گذارد.

۴.۳ بیان جنایت و سرقت

ادبیات پایداری دارای دو رویکرد مجزا است؛ زیرا لازمه ی سرودن و یا نوشتن در دامان این نوع از ادبیات، ستایشی آمیخته به اعتراض است؛ از این رو، همان گونه که ادبیات پایداری، ستایشگر آزادی و مقاومت است، نکوهش گر و منقد بیداد و جنایت نیز می باشد. اعتراض شیرکو به وضع کنونی و هشدار به جنگ و در نهایت قیام در صورت عدم اصلاح سران حکومتی و یا دشمنان خارجی، از دیگر مضامین ادبیات پایداری در آثار وی به شمار می رود. سعی شیرکو بیکس بر آن بوده است که پایه های حضور واقعی انسان را فراهم سازد تا در مقابل آنان که زندگی خود را بر ارزشهای ثروت اندوزی، طمع کاری و سلطه طلبی که همواره بر درگیری و نزاع است، استوار می سازند، رویارویی کند. از این رو، هدف از اعتراض از سوی شاعر، عدل گستری و اقامه ی داد در تمام شئون زندگی است. اعتراض شاعر به جنایت گران و دزدان و هشدار وی به از دست رفتن سرمایه و سامان مملکت خود نیز، مضمونی از این دست به شمار می رود که با زبان نمادینه منحصر به فردی که دارد به زیبایی بیان می کند.

"ابتدا گنجشک بگفت: بوی آچنان نامطبوع می آید/ که سردار را بی سر می کند. آن بوی گند از آن درخت می آید/ درخت بگفت: خیر، از آن خانه است. خانه هم بگفت: خیر، / از آن کوچه است. کوچه هم گفت: نه، از آن خیابان است / خیابان هم گفت: از شهر می آید. شهر هم گفت: خیر / آن بو، بوی همه مملکت است. مملکت هم گفت: هرگز، هرگز / آن بوی گند در حقیقت از دست و دهان و دامن آن کسانی/ متصاعد می شود که درخت و خانه و کوچه و خیابان و شهر و مملکت / همه را دزدیدند!" (شیرکو، ۲۰۱۲، ۱۰۹)

در واقع استفاده از بیان غیر مستقیم، تمثیلی و سمبلیک، روش مناسبی بود تا شیرکو بیکس با وجود اختناق حاکم بتواند ترسیم شاعرانه ای از مسخ شدگی جامعه، اختناق و خفقان، غفلت عمومی، انفعال، سکون و سکوت، هراس و اضطراب به دست دهد و بدین واسطه هم اعتراض خود را بیان کند؛ هم در جهت آگاهی بخشی

دهنده ی تعهد و التزام شاعر دانست. زیرا با استفاده از نمادگرایی، عقیده ای که ممکن است ظاهری یکنواخت و تکراری داشته باشد، می تواند به نظری تازه با بار معنایی بسیار مؤثر و زنده تبدیل شود. وقوع جنگ داخلی بستر نمادگرایی را برای شیرکو بازتر کرد. وی فراتر از شاعران عرصه ی مقاومت، به تصویر آفرینی و نمادپردازی در عرصه ی پایداری پرداخته است. تحول در شکل و محتوا، پختگی و استحکام در زبان، و به ویژه به کارگیری نمادها به منظور بیان اهداف سیاسی و اجتماعی ماهیت این سروده ی شیرکو را به کلی دگرگون نمود و جانی تازه به آن بخشید تا آنجا که روحیه ی انقلابی شیرکو در برخورد با عناصر ظلم و بیداد، تعهد و التزام به میهن، شعر او را هم از لحاظ شکل ظاهری و هم از لحاظ محتوا، کلاً شبیه به اشعار حوزه ی پایداری کرده است. چنانچه وی در سروده اش با نمادپردازی و رمزگرایی و استفاده از خیال های جزئی همچون فن تشخیص، استعاره و تشبیه و نیز ایجاد جو روانی سرشار از غم و اندوه و درد و رنج، حساسه ی دفاع را به تصویر درمی آورد که با بیان آن سعی بر بیداری از غفلت ملت مظلوم کرد دارد. وی دستاوردها و نجایبی را که نتیجه ی مستقیم و غیر مستقیم سران حکومتی محسوب می شود، بازشناسی کرد و بخشی از قابلیت های شعر خود را مصروف نشان دادن آن نمود. از این روی، تصاویری اسف بار از جامعه ابراز می دارد:

"آن روز در سایه ی گلی ژاله / زنبور عسلی دیدم بر روی برگی با تنبلی / از خستگی دراز کشیده بود / از او پرسیدم: چرا به این روز افتاده ای؟ / بدون اینکه بال بجنباند، گفت: چه بگویم؟ / آنچه امسال هشتم و روهمم گذاشتم و / آنچه را که پالیدم، دسته ای کیت و خرمگس مسلح آمدند و در چشم بر هم زدنی همه ی آنها را / بر ملخ وانت بار بار کردند و بردند." (شیرکو، ۲۰۱۲، ۱۰۹).

با این وجود؛ شیرکو بیکس که شاعری متعهد به نظر می رسد و از عرصه ی اجتماع و تب و تاب های جامعه به دور نبوده، از سمبل در جایگاه وسیله ای برای بیان مضامین و مفاهیم بیداری و پایداری، استفاده کرده است. با ذکر این نکته که شیرکو با عقیده به جریان طبیعی بیان و نیز تعهد در شعر در بیان حقایق اجتماعی و سیاسی، استفاده از سمبل یا نماد را نه برای مفاهیم انتزاعی و گسسته از طبیعت و زندگی، بلکه در خدمت واقعیت های زندگی و حفظ جریان طبیعی بیان، در خلاقیت شاعرانه به کار می گیرد.

۳.۳ افتقاد از اوضاع پریشان وطن

جلوه ی دیگری از پایداری که در شعر شیرکو جریان دارد و می توان آن را برخاسته از روح ظلم ستیز و آرمانگرایی او در نظر گرفت، پرخاشگری نسبت به اوضاع و شرایط نابسامان وطن است. زیر ساخت های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اقلیم کوردستان در زمان این شاعر متعهد، سبب آفرینش گونه ای از ادبیات شده است که بیانگر اعتراض، انتقاد و فریاد خاموش او در برابر درد و رنج مردم و کستی های جامعه ی وی شد.

"اسم من ناراضی است / متولد شهر یاغیانم / محله ی گرسنگی، کوچه ی مشقت / از حالا به بعد... من دیگر به عشره ی سکوت تعلق ندارم / من رهگذر پیاده رو و خیابان / ابدی انتظار و / شعار بی دست و پا نیستم / از امروز به بعد / من همشهری نقشه ی میهنی دزدیده شده نیستم / میهنی که هر بار یا انگشتی از آن می دزدند / با گوش و یا چشمی از آن کم می کنند / و یا کلمه ای از آن را زنده به

شاعر در فراز دیگری از سروده هایش، آلودگی زبان به دروغ را که خود محصول خفقان سیاسی است، چنین بیان می کند:

"کلمه ی "حق" گم و گور شده است و / ملق است کسی او را ندیده است / کلمه ی "آرامش" می گوید زله شده ام / شاید در این مملکت اسمم را / تغییر دهم به "ناکام" (شیرکو، ۲۰۱۲، ۸-۱۷۷)

در واقع «مقاومت عبارت است از اقدامی آگاهانه و آزادانه در برابر تحرکی خصانه» (سیدنجم، بی تا: ۲) شیرکو در اشعار خود در برابر بی عدالتی ها و کژروی های موجود در جامعه اعتراض می نماید:

"این دست آن دست را حس نکرد، انگشت دزدیده شد! / این پا به آن پا گان نبرد، راه را دزدیند! / این چشم به آن چشم گان نبرد، نگاه را دزدیند! / این بال به آن بال گان نبرد، پرین را دزدیند! / بی شرم است... بی شرم / این حکایت حاکمیت سرزمین و / بوی دهن دروغهای این روزگار!" (شیرکو، ۲۰۱۲، ۳۴)

از آنجایی که ادبیات پایداری، یعنی ادبیاتی که در وجوه سلبی ایجابی چون نفی وضع ظالمانه ی موجود و ایجاد وضع عادلانه و دفاع از حق و نفی باطل ظهور پیدا می کند. از اینرو، شیرکو با برجسته کردن ارزش های انسانی، رسالت خویش را در مقابله با اشغالگری ادا می کند. شیرکو با تهدد آگاهانه ی خود، مسأله مقاومت و بیداری را در سروده خویش منعکس نموده است. شیرکو همواره از بی عدالتی ها و نابسامانی های اجتماعی و سیاسی ملت کورد ریخ می برد و با بیانی ساده و بی پرده در قالب نماد و اسطوره های کهن آن را ترسیم می کند. شیرکو با اشاره به حوادث و شخصیت های تاریخی، درصد بر آمد اوضاع جامعه ی خویش را ترسیم کند و نشان دهد معضلات امروز، بازتاب احوالی است که گذشتگان داشته اند. چنین رویکردی، زمینه و امکانی برای تأمل وی در مسایل اجتماعی و انسانی گذشته و روزگارش فراهم آورد و به او امکان داد تا به گونه ای ارزیابی تطبیق و مشاقت سازی با ارجاعات تلمیحی و تلویحی دست بزند که در اشعار پایداری معمول است:

"غروب که این میهن را می بینی / خود را چون "گانگی" می نمایاند / شبها هم "بوکاسا" است و / بامداد یک صوفی نورانی و / عصر هنگام هم لباس "بارق" و "حجاج" بر تن دارد! / در روز او درخت شعر است و شبها تبر / در روز او اشعه افتاب است و / شبها قه ی دیجور" (شیرکو، ۲۰۱۲، ۱۵۹-۱۵۸)

با این وجود می توان گفت که شیرکو نقش بسزایی در آگاهی و بیداری مردم برای دستیابی به آرمان های والا داشته و همواره با سلاح قلم، بسیاری از جنبش ها را رهبری می کند و بدین ترتیب بستری مناسب برای تحولاتی بنیادین در بطن اجتماع فراهم می سازد. در حقیقت جریان پایداری در سروده ی "اینک دختری میهن ن است"، مبتنی بر یک نوع اینتولوزی فکری است که بر اساس آن، فردیت و منیت از قاموس واژگان او به کلی محو می گردد و جای خود را به واژه ی "ما" و اهداف مشترک انسانی می دهد و تلاش می کند تا صلح عدالت و حق طلبی را جایگزین اعمال خصانه و استعماری در سطح جهانی نماید.

۶.۳ فراخوانی به اتحاد و همبستگی

یکی از مضامین مهم ادبیات پایداری که در آثار شاعران کورد مشهود است فراخوانی و برخورداری از همبستگی و اتحاد و یکپارچگی است که راه برون رفت ملت کورد از وضعیت نابسامان داخلی، چیزی جز اتحادی یکپارچه و وحدت نظر همگانی نیست. مادامی که این مقدمه ی لازم برای تحول حاصل نگردد، نمی توان به

به جامعه قدم بردارد. این مصداق های ابعادی از این آگاهی بخشی را در برمی دارد:

"آهوی سفید گفت: ای میهن / در حال حاضر، شبا به اندازه گلیمی کهنه و مندرس / یا اینه ای شکسته، با یک بیت حلبی خالی / با یک کسه فرو رفته / یا یک چراغ موشی، دوست داشتی نیستی! / نه یکبار و نه دو بار و نه سه و نه بیست / دست ما را در زاغ دروغهای فرو کرده ای / واژه ی "زیبایی" نمی داند کجا برود؟! / کلمه ی "پاکی" سر درگم شده است و / جرأت ندارد خارج بشود / مبادا او را سر به نیست کنند." (شیرکو، ۲۰۱۲، ۱۷۶-۱۷۷).

شیرکو اشعارش را وسیله ای برای بیان افکار سیاسی و اجتماعی و تهییج مردم می داند و از آن به عنوان حره ای در برابر سیاست های استعمارگران استفاده می کند. چنانچه عدم پابندی رژیم بعث به مسائل انسانی را با توصیف صحنه ی کشتار و اصرار شدید این رژیم بر تکرار عمل کشتار با شیوه های گوناگون و در عین حال ترس وی از زنده ماندن احتمالی هومطنان در زیر خاک را به دقت ترسیم می کند تا جنایت های رژیم بعث را با زبان نمادیه تبیین نماید و شدت انزجار از اشغالگران را پیش از پیش برانگیزد:

"زندگیان بخیر! / اسم من "سنگ قبر" است / سنگ قبر نی لبکی فراموش شده ام / نصف شکسته و تنها یک وجم هویداست / فکر نمی کنم نه شما و نه تپه و / نه آن درختهای ارغوان و نه هیچ رهگنری ما را هنوز در یاد داشته باشند!" (شیرکو، ۲۰۱۲، ۱۸۹-۱۹۰)

۵.۳ عدالت طلبی

عدالت طلبی از ارکان مهم و لازمه ی ادبیات پایداری هر ملتی است. در واقع از ویژگی های حکومت خودکامه، بی عدالتی و نابرابری است. در جامعه ی کوردستان نیز هرج و مرج ناشی از اشغال خاک کوردستان توسط بیگانگان و درگیری گوناگون میان جناح های سیاسی سبب می شود، مسئله فقر و بی عدالتی از ذهن شیرکو بیکس دور نماند و رسالت اجتماعی خود را با سرودن شعرهایی با مضامین بیداری و پایداری ایفا کند تا آنجا که گسترش ظلم و بی عدالتی و تقویت انگیزه دفاع از حق در شکل گیری و احیای آن در سروده های شیرکو نقش بسزایی داشته است. علاوه بر آزادی، عدالت و برابری نیز وجهه ی همت این شاعر آزاده است و از اینکه می بیند که عدالت و برابری در روزگار وی به فراموشی سپرده می شود، سخت پریشان خاطر و افسرده دل است و در این زمینه نیز سخن ها دارد و ندای دادخواهی مردم از دست حاکمان ستم پیشه، از ندای ایشان برخاسته است:

"روز بخیر! اسم من «عدالت» است / در روی زمین چشمی از خدا و / دستی از خدایم / از هنگامی که به این میهن آمده ام / کسی مرا نمی شناسد و کسی مرا نمی بیند و / آنکه اسم ندارد، منم / اینجا من تنها هستم / هر شب مرا به تخت خواب خود می بندند و / پلاستری هم بر لبهایم می زنند / این میهن به حسی از من متنفر است / گر فرصت یابد مرا سر می برد" (شیرکو، ۲۰۱۲، ۳۲-۳۳)

شیرکو، با اشرافی که بر مبنای نظریه های سیاسی مدرن دارد، وارونه هابی و حق پوشی مزورانه را در حکومت های استبدادی چنین افشامی کند:

"کلمه ی پاکی سر درگم شده است و جرأت ندارد خارج بشود / مبادا او را سر به نیست کنند" (شیرکو، ۲۰۱۲: ۱۷۷)

تصویر می کند. وی به پدیده های سیاسی دوره خود واکنش نشان می دهد و همواره افزون بر اعتراض و سرکشی و طغیان علیه کاستی ها و ناراستی ها راه کارهایی نیز برای بهتر شدن اوضاع سیاسی و اجتماعی عرضه می دارد که البته زبان این راه کارها همواره تند و بی پروا و سرشار از هجو و اعتراض و عصیان است: "من به هر حال، تنها این اندازه بیاد دارم: / روزی چهار رنگ کشته شده را به محله مان / باز آوردند. دو تابوت سبز و دو تابوت زرد. دو مادر هم دیدم که نه سبز بودند و / نه زرد. هردو با هم خواهر بودند و / شاید کشته هایم فرزندان هردو تایشان!". (شیرکو، ۲۰۱۲، ۱۲۴-۱۲۵).

با تأمل در گفته های شیرکو می توان گفت که وی در سوگیری های سیاسی خود، هوادار هیچ جناح سیاسی نبوده بلکه پیوسته هوادار ملت کورد بوده است. همانگونه که به باور ژان پل سارتر^۴ که بر این باور است: "نویسنده ی متعهد؛ آن رؤیای ناممکن را از سر به در کرده است که نقش بی طرفانه و فراقانه ای از جامعه ی بشری ترسیم کند" (سارتر، ۱۳۴۸، ۴۳) از اینوست که فراخوانی و برخورداری از همدلی و اتحاد و یکپارچگی ملت کورد از آرمانهای وی بوده است. در هر صورت شیرکو بسان هر انسان متعهدی، درباره ی حوادث سرزمین خود می اندیشد و از خود عکس العمل نشان می دهد. چنانچه با توجه به سروده های وی که در بالا بدان اشاره شد، وی به کمک برخی از شگردها و ترفندهای ادبی، اتفاقات جامعه ی خود را در قالب اشعار و آثار می ریزد و به مخاطبان عرضه می کند. از اینرو، سروده های شیرکو، تا اندازه ای آینه ی تمام نماد زندگی اجتماعی عصر اوست و هیچ گاه نمی تواند در برابر اتفاقاتی که در جامعه اش می افتد، به سادگی بگذرد.^۵

۷.۳ ترسیم چهره ی رنج کشیده ی مردم

ادبیات متعهد، انعکاس هنری شرایط و اوضاع حاکم بر جامعه است که به عنوان بخشی عمده از «جامعه شناسی در ادبیات» مطرح است. جامعه شناسی در ادبیات عبارت است از: «جستجوی بازتاب ویژگی های اجتماعی هر دوره تاریخی در آثار ادبی که در آن دوره پدید آمده است» (وحیدیا، ۱۳۸۷، ۹۲) و «شاعر اصیل در خارج از چارچوب زمان و مکان خود نمی تواند وجود داشته باشد و اگر به زمان و مکان خود وفادار بماند و نماینده ی صمیمی نسل خود و انسان هایی که در کنارش زندگی می کنند باشد، بدون تردید به زمان ها و مکان های دیگر متعلق خواهد بود و از همین طریق است که شاعر اصیل، فرصت جاودانگی پیدا می کند» (براهنی، ۱۳۷۱، ۸۶۶) چنانچه شیرکو از شاعرانی است که به عنوان شاعری متعهد و انقلابی، در برابر مشکلات موجود در وطن خویش سکوت نکرده و به زمان و مکان خود وفادار بوده تا اینکه به صف شاعران بیداری پیوسته است. زیرا « ادب بیداری آینه دردها، رنج مویه ها و مرثیه های مردم است. مردمی که گلزاره های درون را در خاکستر نگاهشان فریاد می کنند و شاعر شعرش را تفسیر این دردها می سازد.» (سنگری، ۱۳۸۰، ۹۹).

این باور و مسئولیت پذیری در قبال آلام جامعه، ریشه در تعهدات اخلاقی و وجدانی شیرکو بیکس دارد که رنج و دشواری های جامعه را رنج خود می بیند و از سکوت و صحه گذاشتن بر وضع موجود خوداری می کند و خود را شاعری متعهد به اجتماع می داند که در برابر مردم مسئولیت دارد و خود را نماینده ی صمیمی نسل خود و انسان هایی که در کنارش زندگی می کنند دانسته است و به کستی ها و

حصول مقاصد و اهداف امیدوار بود. وحقن که در سایه ی آن مردم جامعه بتوانند در تعاملی سازنده به سطحی از مطالبات اجتماعی خود دست یابند. لذا از اصول اساسی برای ایجاد تحول در جامعه، اعتقاد به وحدت و همدلی است. تحولات سیاسی-اجتماعی در عصر شیرکو، زمینه ی مناسبی برای وی شد تا تمام توش و توان ادیبش را در راه آزادی و تحقق آرمان ملت کورد و توده های ظلم ستیز به کار گیرد. زیرا وضعیت بد سیاسی-اجتماعی تمام مناطق کوردنشین را فراگرفته بود، ولی وضعیت ملت کورد به دلیل شرایط خاص سیاسی وخیم تر بود. استبداد داخلی و استعمار خارجی هر یک در جهت منافع خود، آتش جنگ های برادری را شعله ور می سازند و بر آلام و دردهای مردم کورد می افزایند. روح انسان دوست شیرکو از جنگ گریزان است و از اینکه می بیند سرزمین مادرش کوردستان، اینگونه مورد هجوم جنگهای داخلی قرار گرفته و ابرهای تیره ی جنگ بر آن ساسه افکنده بسیار ناراحت است.

"روز بخیر / من یک اسب گرد کشته شده ی جنگ داخلیم / کدانه هستم و اصیل...اصیل / آن اسب دیگر هم که مرا کشت / عموزاده ام بود / او هم اصیل ... اصیل / همچو من کدانه بود / همسرش مادیانی یال زرین دختر من بود / اما آن گاه که میهن شیشه می زند / شیشه ی ما قطع می شود! « / شی محترم به من گفت: باید آن عموزاده ات را بکشی / گفتم: سبب؟! " (شیرکو، ۲۰۱۲، ۹۷)

زیرا این سرزمین، به علت وجود طوایف و گروه های حزبی و سیاسی، صحنه ی توسعه طلبی قدرت های درگیر شده بود:

"بگفت: چون اسبی است / از شیشه ی ما منحرف گشته است و / خود را به رنگی دیگر آراسته است / سمکوب و دست برآوردنش / تهدیدی برای این اردوگاه است و / امر براین است / دیگر نباید زنده باشد! و من از راهی حيله آمیز / به مکانش نفوذ کردم / اما قبل از اینکه من او را بکشم / او مرا کشت" (شیرکو، ۲۰۱۲، ۹۶-۹۷)

در واقع می توان گفت که دعوت به اتحاد، پرهیز از تفرقه و برادرکشی و نکوهش رهبران قدرت طلب نیز مضامین عمده ی شعر این سروده است که در نگاهی دقیق به اشعار شیرکو، آثاری از یأس سرخوردگی و بدبینی نسبت به آرمان های پایداری در شعر وی دیده می شود که تصاویری اسف بار از جامعه به دست می دهد:

"این میهن قلمی دارد که چند نوک رنگارنگ دارد... / با سیاه می نویسد آزادی مؤنث و / با سرخ مذکر آنرا خط می زند. با بنفش می نویسد / یکسانی و با آبی چشم لوچ آنرا خط می زند، / با سبز می نویسد عدالت و با قهوه ای حزب آنرا خط می زند. / این میهن وقتی می بیند، وعده ای داده است و همان وعده / سید راهش شده است، در آن هنگام روز و ماه و سال را تغییر می دهد و / بیباک... بیباک اسم خود را برمی دارد و / امضای خود را پاک می کند". (شیرکو، ۲۰۱۲، ۱۶۲-۱۶۳)

شیرکو نگاه نوینی نسبت به انسان، جامعه و مسائل اجتماعی داشته است و تمام دردها و رنج هایی که به انسان ها تحمیل می شده است، در محکمه ی شعر خود، به تازیانة ی انتقاد می گرفت و در بیداری و آگاه سازی جامعه، نقش زیادی داشته است. او یکی از شاعرانی است که نسبت به وقایع سیاسی، حساسیت داشت و آنچه در جامعه رخ می داد، متأثر می شد؛ حاصل چنین حساسیت و تأثیری، سروده هایی است که شرایط نامساعد اجتماعی را از زوایای گوناگون

کند و معتقد است برای نیل به این آرمان متعالی باید تا آخرین لحظه و آخرین نفس استقامت ورزید. زیرا فضای مناسب آزادی، در درجه ی اول، شامل قلمرو هوشیار ضمیر است و در این فضا است که وجدان انسانی به جامع ترین معنای آن باید آزاد باشد. آزادی افکار و امیال، آزادی عقاید و احساسات نسبت به کلیه موضوعات نظری، علمی و اخلاقی ضروری به نظر می رسد. شیروک با جادوی کلمات و واژگان خود، بار این رسالت مهم هنری را در میان جامعه ی خود و سایر جوامع به دوش کشیده و در جمت آگاهی بخشی به مردم، اشعار بسیاری در این مضمون سروده است. وی بعنوان شاعری متعهد و مبارز، همواره در اشعار خود، فریاد آزادی خواهی و مبارزه با استبداد را سر داده است. وی در رویدادها و شرایط ناهنجار سیاسی و اجتماعی، برای خویش، حق چون و چرا قایل است؛ از این رو پیوسته از جور و بی عدالتی، کاستی ها و ناراستی ها فریاد برمی آورد. شیروک با توجه به گرایش های سیاسی و اندیشه های مسلکی و سبک انتقادی شدید خود، بطور جدی به اصلاحات زیر بنایی و انقلاب فکری و اخذ علوم و فنون غربی می اندیشد و در مبارزات سیاسی و قلمی، بدان می پردازد. از این رو بیشترین بسامد موضوعی وی؛ انتقادات مستقیم علیه حکومت و دولت خودکامه بود و بیشترین درد و اندوه شیروک وجود استبداد و نبودن آزادی است. درد و اندوهی که تا اعماق وجود او راه یافته است.

"اینجا اسپر است آزادی، اسپر است / درون تیردانش فکنده و / بر آستان مرگش نماده و / قتیله ای برسته اند ترکش را." (شیروک، ۱۳۸۴، ۲۵)

آزادینخواهی و پایداری در برابر ظلم در شعرهای شیروک بسامد بالایی دارد. وی از ریاکاری، بی تفاوتی و بی هویتی ملت خویش ناامید است و سرنوشت شومشان را نتیجه ضعف و تسلیم شدن در برابر ظلم حاکمان ستمگر می داند. وی با تصویرپردازی های خلاقانه ی خویش و با بکارگیری اسلوب نماد سعی در تثبیت معنای مورد نظر خود و تفهیم محتر آن به مخاطب دارد؛ به گونه ای که می توان نماد را هسته و جوهره اصلی شعر وی دانست، اما گاهی در همین راستا، عنان سخن از کف داده و با زبانی بی پروا و آتشین مستقیماً به مخالفت با ظالمان پرداخته است. شیروک در مسئله آزادی بیان جنبه ای افراطی در پیش گرفته و از تندروان این مسئله بوده است تا جایی که این جنبه برای وی بالاتر از همه چیز بوده و دغدغه ی اصلی او گشته است. به گونه ای که اندوه و رنج شیروک، منطقی و پذیرفتنی است و با فطرت و سرشت آدمی همخوانی و توافق دارد. درد او درد آزادی است که درد تمام آزادگان جهان است. از اینرو، آزادی و آزادگی شعار این شاعر آزاده و از خود گذشته بود. از منظر شیروک بیکس، فقلان آزادی بیان از یک سو و کثرت خبرچینان و خفیه نویسان از دیگر سو، روشن ترین نشانه ی خودکامگی و ساختار استبدادی است. به تعبیر کواکبی: "مستبد، دشمن حق و آزادی و قاتل این دو می باشد." (کواکبی، ۱۳۶۳، ۴۵) و به سخن "آزایا بلین" "نقض آزادی و خودمختاری انسان؛ نقض انسانیت اوست" (بشیریه، ۱۳۷۹، ۱۰۴).

شیروک در متن زیر؛ به خوبی نشان می دهد که گسترش ترس و ارباب از سوی حکومت در جامعه ی خویش، به فرهنگی فراگیر و عمومی تبدیل شده است:

"این قلم هر بار / گرد کلام خود را / برای کفغنی، برای برگی / برای پروانه ای، عاشقی باز می کند و به آنجا می گویند: در حقیقت من از منقار و از سرو / از قلمدان و از سطرهام مطمئن نیستم / زیرا امکان داد روزی در بغل یک کلبه ی دور افتاده ی بدون آدرس / یا در گوشه ی کوچکی ای کم سو در این شهر / یا خود بر

کژی های جامعه ی خویش می پردازد و مسائل مطرح شده را که بار انتقادی دارد بدین گونه ابراز می نماید:

"اسم من درد است / پادشاه بخش بزرگی از این مملکت! / پایگاههای آشکار و گوناگونم را / در دهات و محله و کوچه ها و / مناطق خاموش برپا کرده ام / که مطیع قوانین منند." (شیروک، ۲۰۱۲، ۸۲)

یکی دیگر از ویژگی های شعری شیروک، مردمی بودن آن است که پیوندی عمیق و ریشه دار میان این گروه و مردم جامعه اشان ایجاد نموده است. درد و رنج شیروک، درد و رنج اجتماعی و مردمی است. دردهای اجتماعی، دردهایی هستند که از نابسامانی ها و نابرابری ها و بی عدالت های اجتماعی نشأت گرفته و در طول تاریخ چون بیماری مزمنی جان و دل آزادگان را آزرده اند. شیروک بیکس، شاعر آزاده، درد و رنج مردم دردمند اجتماع روزگار خویش را کملا دریافته و با تمام وجود خویش لمس کرده است. شیروک از اوضاع و احوالی که بر جامعه آن ها حاکم است، دردمند است. اما درد او بیشتر از سکوت کسانی است که از حال و روز جامعه با خبرند؛ ولی برای حفظ منافع شخصی با ستمگران همراهند و یا اگر همراه نباشند، خود را به فراموشی می زنند و در مخالفت به آنان حرفی نمی زنند و سکوت می کنند:

"میهن من ابله است / در خونسردی و فراموشکاری و / در تصور / به هیچ میهنی شبیه نیست" (شیروک، ۲۰۱۲، ۲۰۰)

در واقع شیروک از جمله این شاعران است که همواره در عرصه ی استعاره ستیزی هنرنمایی کرده و با اشعار خویش مردم را به پایداری فراخوانده است. ادب پایداری، بیان کننده دردها، رنج مویه ها، سوک ها و مرثیه های مردم است و شاعر در شعرش به تفسیر این دردها می پردازد. شیروک شعرش را وسیله ای برای به تصویر کشیدن جامعه ی آشفته ی خویش قرار داده و شعر او آیینه ی رنج ها، ناله ها و فریادهای زمانش است که این همه درد و رنج که دامنگیر ملتش شده است، زمامداران بدان بی اعتنا هستند. در این اشعار، شیروک در موقعیت انسانی مسئول و در موضع شاعری دارای رسالت قرار می گیرد. او از این جایگاه به نگوهرش زمامداران و سران حکومتی می پردازد:

"تو ای میهن!! ای مردی که از قله ی بلند / غرور تازک سرت به دون دست خود / می نگری و حتی یک بار از مرکب فرود نمی آیی / به داخل ازدحام زخم و پاییز این همه دردهای منظر!" (شیروک، ۲۰۱۲، ۹۸).

از اینروست که می توان گفت؛ شیروک بیکس آن بزرگ مردی است که از نظر وی، شعر تصویری صادقانه و تعبیری راستین از واقعیت است و به همین سبب او می کوشد، نه تنها دردها و رنج های ملت خود که دردها و رنج های همه ملت های زخم خورده استعمار را به تصویر بکشد که این از دلایلی است که باعث شده است شیروک، فرصت جاودانگی پیدا کند. شیروک نسبت به جامعه خود ژرف اندیش است و مصیبت استعمارزدگی ملت کورد در دلش زخمی ایجاد کرده است که هیچ چیز جز بیداری ملت و آگاهی آنان از سرنوشت خود آن را التیام نمی بخشد. از اینرو، از نظر نگارنده؛ شیروک به عنوان شاعری دلسوز و متعهد به جامعه و سرنوشت ملت خویش، شناخته می شود.

۸.۳ ستایش آزادی و اعتراض به استبداد

آزادی یکی از شاخص های برجسته پایداری و از آرمان های بنیادی آزادی خواهان است. شیروک در سروده های خویش در زمینه ی پایداری و مبارزه، بر حق آزادی که یک حق مشروع بشری به شمار می رود، به شدت پافشاری می

های جبران ناپذیری به آنان می زند. از اینرو، مردم در تعیین سرنوشت یک کشور نقش اساسی دارند. شیرکو از جمله شاعرانی است که همواره درصدد هوشیار نمودن مردم برای ساختن جامعه ای پویا بوده است. وی بر این باور بوده است که نادانی حاکم بر جامعه، آن ها را از پیشرفت باز می دارد. به همین دلیل مبارزه با آن را سرلوحه ی کارهای خود قرار می دهد. شیرکو علاوه بر انتقاد از حاکمان و رهبران جامعه ی خود، به انتقاد از مردم نیز پرداخته و غفلت و سهل انگاری آن ها را مورد سرزنش قرار داده است. از اینرو، شیرکو همه ی مشکلات جامعه را تنها ناشی از دستگاه حاکم نمی داند، بلکه با تحلیل انتقادی شرایط اجتماعی معتقد است که مردم نیز در ایجاد این مشکلات سهیم هستند، به همین دلیل در جای جای اشعار خود و به صورت های مختلف به این مسئله اشاره می کند. یکی از این مسائل که بدان اشارت داشته، حسادتی که ناشی از جهل و نادانی است، دامنگیر این ملت شده و این خود باعث عدم پیشرفت هر ملتی خواهد شد:

"اسم من حسادت است/ قدیمی ترین همشهری این میهن هستم/ محترمتین وقت من آنگاه است/ همه کس در حال سقوط باشد/ همه چیز در سرایش شکست/ بدترین وقتم هم آنگاه است/ یکی را بینم از من زیباتر باشد/ از من خواستنی تر و / از من دوست داشتنی تر باشد/ در همان حال من کارخانه ی دروغ تاریخم/ در شکل مارک اصلی / زیباترین تهمت را می سازم / محترمتین تبلیغات را می بافم." (شیرکو، ۲۰۱۲، ۲۲۸-۲۲۹).

شیرکو در سروده ی مذکور به بعضی مشکلات و سنت های غلط که گریبان ملتش شده اشاره دارد و ناراحتی خود را از آن ها اعلام می دارد و در شگفتی و حیرت است که چگونه تن به خواری و ذلت داده اند و به دنبال اصلاح امورشان نیستند. و به عنوان شاعری آگاه و مبارز، همواره حاکمان وقت و کارگزاران آن ها را مسئول فلاکت و عقب ماندگی سرزمینش می دانست که تا چه اندازه و به چه نیاز و اهدافی در پی دسترسی و دستیابی به مقام و منصب هستند و بیش و نگرش آنها را درباره مسئولیتی که دارند عرضه می دارد:

"اسم من کرسی است/ هیچ کس نناند، من می دادم/ آخمه چاقوی غدر/ آخمه جویبار خونالود/ آخمه ماسک دزدی/ آخمه تفر سیاه/ بخاطر دستیابی به من است و / بخاطر رسیدن به من، رروی می دهند!!/ اما نمی گویند، هیچ کدام اعتراف نمی کنند/ که به خاطر رسیدن به من است!!/ همه می گویند به خاطر چشم و قامت آزادی است!!/ بخاطر شیر کودکن است!!/ بخاطر آب و ... برای نان است!!/ بخاطر گل و ... آشیان گنجشک و / بخاطر شیخون ناهنگام/ گرگ های درو و بر است... اما نمی گویند، کسی نمی گوید/ به خاطر من و رسیدن به من است!!" (شیرکو، ۲۰۱۲، ۴۵-۴۷).

در واقع شیرکو آنان را محکوم می کند و در بسیاری از موارد، به طور مستقیم آنان را مورد نکوهش قرار می دهد تا با این گونه بیان ها، نزد مردم جایگاهی نداشته باشند و از صحنه خارج شوند و مردم بتوانند در سرنوشت خویش، سهیم باشند. زیرا شیرکو با فساد مالی و اداری در اقلیم کوردستان و عراق به خوبی آشناست. البته از دیگر جلوه های پایداری در شعر شیرکو، مبارزه با بی هویتی، غفلت و سکوت در برابر ظلم است. شیرکو متوجه شده بود که جهل و سهل انگاری و سستی به عنوان عواملی بازدارنده، بر تفکر و عمل مردم سایه انداخته است؛ لذا زبان به شکایت گشوده و یأس خود را از ناآگاهی و بی توجهی مردم نسبت به مصالحشان ابراز می کند:

روی کرسی خم یک قهوه خانه/ یا در قدم زدن غرویی در کرکوک/ وقتی که شعر همچون "سوران" تک و تنها به خانه برمی گردد.../ یا در یک اتوبوس چلاق/ یا هنگام خوردن پارویی از یک گاری دستی .../ یا آن هنگام که دست بچه ام را گرفته ام و او را / برای بازی به شهر بازی و برای سواری کرسی می برم / هردویمان را روانه ی قیامت و شهر مردن خنا بکنند" (شیرکو، ۲۰۱۲، ۱۵۵-۱۵۶).

و در ادامه سخنانش شیرکو به این نکته خاطر نشان می کند که این ترس نیز، با کشتار و تحقیر مردم و مخالفان توسط حکومت، نهادینه گردیده است:

"زیرا سرپرانیین در پیچ و خم این تاریخ/ در دود و غبار این روزگار و این دوره، در گرداب ... ملا/ در طوفان فتوا/ سرپرانیین از ریختن لیوانی آب آسانتر است / از گره زدن بند کنش سهلتر است/ از فرمان پاک کردن یک کلمه سریعتر است/ زیرا سرپرین در میان حکایتهای ظلم / از باز کردن یک سر بطری راحتتر است" (شیرکو، ۲۰۱۲، ۱۵۷-۱۵۸).

نکته ای که در پی اشعار شیرکو بیکیس قابل تأمل و بیان است که بایستی بدان خاطر نشان کرد، این است که زبان شعری و انتقادی شیرکو در افشای عملکرد حاکمان مستبد و خودکامه، زبانی بسیار صریح، شجاعانه و خطرآمیز است و همین امر، جای هیچ تردیدی در این حقیقت باقی نمی ماند که وی به راستی، شاعری مردمی آزادی خواه و ظلم ستیز بود و شاعری آرمانگرا، آزادی خواه و متعهد به سرنوشت مردم خویش بوده است.

شیرکو شاعری متعهد است که در روشنگری ملت کورد بسیار نقش داشته است. وی با هدف روشن گری و انتشار آگاهی در بین مردم به شعر روی آورد. به همین منظور شیرکو شعر را به عنوان یک سلاح برنده بر ضد متجاوزان به آزادی های عمومی به کار می گیرد. به طوری که انتقاد اعتراض نسبت به احداث و وقایع اقلیم کوردستان با شعر مقاومت شیرکو بیکیس عین شده است. شاعر با نگاه ریزین خود به پدیده ها؛ در شعر خود به گونه ای تأکید می کند که هیچ گاه زبان شعری اش از چیزی که قصد بیان آن را ندارد، عاجز نمی ماند و از سران حکومتی و زمامداران سرزمین خویش که به سرزمین خود خیانت کرده اند که باعث فقر، جهل و آواره شدن مردم شده اند، انتقاد می کند:

"روز بخیر/ من کره اسبی بیکار و اهل کرکوک/ فرزند نفت و گاز و فرزند آن همه لوله و چاه نفت/ اما آنچه اتفاقی و بندرت می بینم آن پدران است/ همین دلیل هماره در چرخشم/ از همه کس بیشتر میهن را می بینم/ اما افسوس / همه شبیه و غرشهایم بر باد شدند و / تمامی سمکوحایم از بین رفتند و / این میهن مقدس مرا نشیند!!" (شیرکو، ۲۰۱۲، ۴۰-۴۱).

در حقیقت چنین روحیه سرکشی و آزادگی را می توان در جای جای اشعار شیرکو در سروده هایش یافت و در واقع این روحیه یکی از راهبردهای کلیدی شاعر در زندگی است که گاهی بر زبان خود او جاری می شود و دیگر بار از زبان عناصر طبیعی که به عنوان شخصیت های اصلی در شعرهای او حضور دارند، بیان می شود.

۹.۳ نکوهش با جهل

در اشعار شیرکو مبارزه با جهل اساسا با رویکردهای اجتماعی و مبارزاتی توأم است و غرض از بیان آن، جز بیدار کردن و هوشیاری مردم ندارد. بیداری و آگاهی مردم سبب پیشرفت و حفظ کشور می شود، در مقابل بی خبری و غفلت آنان ضربه

واقع شدند. آنگونه که آزموده های مبارزاتی یک نسل مقاوم و مبارز را که برای رهایی سرزمین، فرهنگ و سنت های خود از چنگال تجاوزگران به حریم ارزش های ملی و انسانی به پا خاسته است، برای نسل های آینده در بیان فحیم شعری و ادبی اینگونه سخن به میان می آورد:

"فراموش شده گان؛ آتھایی بودند / با دهن، با دست، با نفس / دنیا را برای «دگران» زیباتر کرده بودند / اما خود تنها / شعله های دوزخ زندگی را تجربه کرده بودند!" (شیرکو، ۲۰۱۲، ۱۸۹).

همانطور که از شعر بالا پیداست؛ هنجار و لحن ستایش های شیرکو از این افراد به عنوان فراموش شدگان، همواره با نوعی شیفتگی و علاقه ی قلبی همراه است. از محتوای این آثار پیداست که شیرکو، نه عمداً، بلکه بر اساس میل باطنی و ناخودآگاه از شهامت و همت آنان یاد می کند، میلی که بی ارتباط با روح انقلابی و منش آزاد خواهانه در شیرکو نیست.

در حقیقت شعرای مقاومت، شکست و تسلیم را مطرود می دانستند و در برابر توطئه های دشمن تا آنجا که قدرتی در بدن داشتند، پایداری می کردند (عطوفت، ۱۹۹۸، ۶۹۳) شعر شیرکو پژواک سازش ناپیری و تداوم روحیه ی مقاومت و پایداری ملت مظلوم کورد در برابر ستم و تجاوز متجاوزان است. وی با زبان نمادینه اش پایداری ملت کورد را در برابر توطئه های دشمن چنین به زیبا ابراز می دارد:

"روزی یک سنگ فامیل میهن به چشمه ای ناشناس گفت: باید در آن دشت برایم بنویسی که من از تو هم نازکترم!! چشمه بگفت: من هرگز چنین دروغی نمی گویم. سنگ بگفت: می کشمت! / حتی اگر مرا بکشی دروغی نمی گویم / سنگ خبیث خود را رها کرد تا دهانه ی چشمه / راه نفس بر او بست و او را بکشت!" (شیرکو، ۲۰۱۲، ۱۴۹).

وی با لحن حماسی بیان می دارد که ملت کورد در سخت ترین شرایط در اوج غربت و تنهایی، در تشنگی و گرسنگی و با وجود عدم حمایت عرب ها به مبارزات خستگی ناپذیر خود ادامه می دهند و چنان می جنگند که گویی تاریخ هم توان همتاسازی روزهای مقاومت آنان را ندارد:

"این تاریخ من.... کلید / دروازه ی سال و دروازه ی آفتاب آینده را / گم کرده و نمی خواهد بازش یابد و باکش هم نیست!" (شیرکو، ۲۰۱۲، ۸۵).

با این وجود می توان گفت که، شیرکو یکی از شاعران سیاسی و متعهد معاصر ادبیات کوردی است که نمود این تعهد اجتماعی و سیاسی در بسیاری از اشعار او به روشنی قابل مشاهده است که همواره به جامعه و زندگی مردم و مشکلات آنان توجه ویژه داشته است.

۱۱.۳ ابراز ناامیدی

یأس و ناامیدی از رسیدن به کمال و سعادت، از بزرگترین تهدیداتی است که هر جامعه را تحریک می کند و سقوط و انحطاط آن را قطعی می سازد، اگر این بیماری خطرناک به ذهن و اندیشه جامعه سرایت کند، می تواند به راحتی آن جامعه را به قهقرا و نابودی بکشاند. این خطر، امروزه بیشتر از گذشته جوامع انسانی را تهدید می کند و بشر امروزه علی رغم پیشرفت های علمی و تکنولوژی، نتوانسته به منشور سعادت خود دست باید حتی بیشتر از گذشتگان خود، احساس سرگردانی و ناامیدی می کند. شیرکو برخلاف شاعرانی که متأثر از خفقان و اختناق حاکم، راه هر گونه امیدواری را بسته و دل بستگی به آینده ی روشن را ناممکن می دیدند،

"میهن من ابله است / در خونسردی و فراموشکاری و / در تصور / به هیچ میهنی شبیه نیست" (شیرکو، ۲۰۱۲، ۲۰۰).

در اینصورت می توان گفت که شیرکو شاعر مبارزی است که در کوردستان و خارج از سرزمینش، سرود آزادی و استقلال را سر داده است.

۱۰.۳ ظلم ستیزی

از مؤلفه های ادب پایداری و بیباری در شعر شیرکو بیکیس، ظلم ستیزی است. شیرکو با سلاح بران شعر، هر گونه ستم و ستمگری را نشانه می رود با ستم ستیزی از مظلوم حمایت می کند. ظلم و ستم و تجاوز به حقوق ملت مظلوم کورد، شیرکو بیکیس متعهد را بران داشته است که با قلم خود به کمک مردم مظلوم ملت کورد بشتابد. زیرا ادبیات پایداری «ادبیات ستیهندگی و عشق است. ادبیات توفنده و پرتلاطمی است که آلودگی به یأس و سکون را نمی پذیرد و بسان روح، پیوسته در کالبد خود ادبیات هر عصر دمیده می شود. در واقع این گونه ی ادبی، در طول تاریخ و در کشاکش تهاجم قدرت ها و تدافع جوامع سلطه ناپذیر، همواره به مثابه ابزار و سلاحی بازدارنده رخ نموده و موجبات احیاء، تداوم و بقای فرهنگی جوامع مورد هجوم یا تحت سلطه را فراهم آورده است» (بصری، ۱۳۸۷: ۹۱). شیرکو با به کارگیری عاطفه غم و اندوه در کنار عاطفه ی خشم، تصویری زنده و تکان دهنده از صحنه های اندوهناک کشتار ارائه می دهد، عاطفه ای جمعی که بر تمام انسان های آزاده در روی زمین اثر می گذارد:

"یک بلبل آوازه ی خارجه / فرزند ترانه ای شهید، ترانه ای از یاد رفته / پس از چندین سال به شهر برگشت... / خواست بر سر مزار پدر برود و همراه گریه / بسیار بسیار برایش بخواند. اما هر چند جستجو کرد و / پرسش نمود و پیش میهن رفت و پیش سرودها / ولی قبر پدر نازنین نیافت / تا اینکه روزی از تراکم غصه، او هم بر گوری ناشناخته / ناکام مرد!" (شیرکو، ۲۰۱۲، ۱۴۵).

در همین سروده؛ میهن نماد مسئولان بی تفاوت و راحت طلبی هستند که هیچ سهمی در مبارزه و آزادی سرزمینشان نداشته اند و همین افراد؛ جانفشانی پیشمرگها و همه ی کسانی که هجرت کردند و تن به آوارگی دادند، را فراموش کرده اند:

"من اکنون می خواهم به میهن گند ذهن بگویم: / بجای اینکه شما اسم آخمه نوریس و پروانه و پرند های کوچ کرده را بیاد ما بیاندازی / افسوس! که ما باید به تو یادآوری می کنیم / اسم آن ترانه های فراوش شده / آن شراره های از یاد رفته / آن عشقهای بر باد رفته / روزگاری بود تو با آنها زیبا بودی / با آنها به تبسم در می آمدی... / می خواهم رو در رو به شما بگویم: / هنگامی که شما نوریس سبز رنگ / چشانت را از یاد برده باشی / محتر این است / با پای خود / بداخل آن دریا چه ی "شرم" / فرو روی که از صورتت ریخته است / تا آنجا که غرق شوی" (شیرکو، ۲۰۱۲، ۱۸۵-۱۸۶).

بدین منظور شیرکو از جمله شاعرانی است که در شعرش، ظلم و ستم حاکم بر جامعه ی خود را ترسیم نموده است که نشان دهنده ی آگاهی و توجه این شاعر به محیط پیرامون خود و مبین حس بشر دوستی اوست. شیرکو شاعری انسانگراست و در جامعه ی استبداد زده ی چوران خود، نابرابری ها و جور و ستم طورگویان حاکم را لمس و با قلمش از مظلومان دفاع می کند. شیرکو با ترسیم چهره ی مردم تحت ستم و معضلات مختلف اجتماعی و مظاهر منفی که از نتایج حکومت استبدادی به شمار می آمد، درصد آگاهی بخشی به جامعه برمی آمد. شیرکو در جای دیگر از سروده هایش این نکته را خاطر نشان می کند که چه کسانی مورد فراموشی

گوشه‌های را فریفته اند/ چشم‌ها را دزدیده و احساس‌ها را از حس کردن تخی نموده اند!" (شیرکو، ۲۰۱۲، ۲۸۷).

۴. نتایج و یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل آمده از این پژوهش بیانگر آن است:

۱. شیرکو به عنوان شاعر و نویسنده‌ی آگاه و مسئولیت‌شناس، خط مشی مقاومت را می‌آموزد و در اشعارش به دنبال بیدار سازی اندیشه و مبارزه و پایداری در برابر دشمنان است؛ شاعر متعهدی که با وجود سال‌ها دور از وطن، قلبش همچنان برای کوردستان می‌تپد و با اشعار روشنگرانه و آگاهی بخش خود، بصیرت و پایداری را توأمان برای مخاطب ترسیم می‌کند.
۲. شیرکو در ورای چهره‌ی سیاسی خویش، شاعر و ادیبی متعهد، ظلم ستیز و آزادی خواه است که در مقاومت، حضوری فعال دارد و در آثار ادبی او می‌توان بن مایه‌هایی از مقاومت و بیداری را مشاهده کرد و اشعار او در این سروده، عموماً دارای محتوای بیدارگرانه، اعتراضی، مبارزه جویانه و تحسینی است. در واقع این ویژگی هاست که سروده‌های شیرکو را در ردیف اشعار پایداری قرار می‌دهد.
۳. شیرکو از جمله شاعرانی است که اندیشه‌های پایداری در سروده‌هایش دامنه‌ی فراگیری داشته و با استفاده‌ی هنرمندانه از نمادها توانسته است که به ترویج فرهنگ ظلم ستیزی و عدالت محوری و آزادی و... پردازد و نقش مهمی در بیداری ملت کرد ایفا کند.
۴. اشعار بیداری و پایداری شیرکو در تمام حوزه مسائل سیاسی و اجتماعی بسیار فراوان است و در بطن خود مضامینی همچون آزادی خواهی، فراخوانی مردم برای آزادی، اعتراض به جهل و غفلت مردم و سکوت آن‌ها، انتقاد از بی‌کفایتی حاکمان زمان، ظلم ستیزی، دعوت به قیام و مبارزه با خودکامگی، عشق به وطن و... را دربر می‌گیرد.
۵. در یک نگاه کلی می‌توان مهم‌ترین شاخصه‌ها و مؤلفه‌های ادبیات پایداری را در ارتباط معنادار در سروده‌ی اینک دختری میهن من است را با عناصری چون: ترسیم چهره‌ی بیدادگری، ستایش آزادی و آزادگی، ظلم ستیزی، بازنمایی افق‌های تاریک نابرابری و ناعدالتی، انعکاس مظلومیت مردم و ظلم ستیزی دانست.
۶. در سروده‌ی شیرکو بیکس روی هم رفته پرداختن به سیاست و اجتماع، با هجو پیوندی عمیق دارد و از بیان بی‌پروا و سراسر خشم و هجو به شیوه سمبلیسم بیشتر یاری می‌جوید و مانند شاعران کلاسیک در بافتی ملاجم و حکمت آموز به این معضلات توجه نشان می‌دهد.
۷. از آنجا که سرشت شیرکو بنی را برنی‌تابد، از این رو ناسازگاری خود را با بیداد و ستم به شکل‌های گوناگون همچون، اعتراض، پرخاش، ستیزه‌گری و مقابله نشان می‌دهد.

۵. کتابنامه

امامی، صابر (۱۳۸۳). ادبیات مقاومت در نگاهی به سرخ از پرفه و پرواز، فرهنگ و هنر، ش ۳۹، ص ۲۵-۳۰.

ضمن ارایه‌ی تصویرهای هولناک از اوضاع جامعه- که بدان اشاره شد- گاه محتوای امینوارانه و آرمان خواهانه را با کلامش ملازم می‌نمود:

"من اکنون همیشه در عزایم. عزای گلپایم، عزای آب، عزای جنگل / ولی هر بار تیز آفتابی قاصد/ از طرف آینده می‌آید و دست به گردنم می‌اندازد و مرا دلنوازی می‌دهد و به من می‌گوید: غم نخور/ همیشه اینگونه تاریک و افسرده نخواهی بود/ غم نخور مرا داری" (شیرکو، ۲۰۱۲، ۵۱).

در اینصورت، با وجودی که خوش بینی و امید به آینده از ضرورت‌های ادبیات پایداری است اما گاه شیرکو با زبان خاص نمادینه اش بدان اشاره کرده و نیز سعی کرده است با اشعار خود آن را در ذهن مردم تقویت کند.

شیرکو از جمله عناصر تأثیر گذار در جامعه است که با بهره‌گیری از تخیل عمیق و نیرومند خویش، زبان و واژگان مورد نظرش را برگزیده و اندیشه‌های برترش را به تصویر می‌کشد و این همان سرسای، تأثیرگذاری و جاودانگی اشعار شیرکو است که سبب شده است همواره در تحولات جامعه نقشی کلیدی ایفا نماید.

"ای تاریخ تبتلی همیشه خوابیده/ ای خمیازه می‌چمان و / ای لاک پشتِ زمان! / من از حالا به بعد دیگر نمی‌توانم/ هرگز نمی‌توانم به تو بگویم که سلسله‌ی افتخارات ورم کرده‌ات/ بسیار زیبا هستند" (شیرکو، ۲۰۱۲، ۸۷).

با تأمل در شعر بالا می‌توان گفت که شیرکو بیکس در این راستا ترسیم‌هایی نو میدانه از شرایط نامساعد جامعه به دست داده و مظاهر نامطلوب اجتماعی را توصیف نموده است. او تأسف و احساس درمندی خویش را قالبی نمادین می‌بخشید و با استفاده از زبانی سمبولیک، نومیسی و بیزاری و تأثرش را از وضعیت نابسامان جامعه نشان می‌داد.

"بیزار بیزار بیزار شده‌ام، از آنمه تیغهای سربریدن، از آنمه گردباد خشم/ از آنمه جنگل انتقام/ بیزارم بیزارم از آنمه حکایتهای زنگار بسته‌ای که از طفولیت گوشه‌های را فریفته اند. چشم‌ها را دزدیده و احساس‌ها را از حس کردن تخی نموده اند!" (شیرکو ۲۰۱۲، ۲۸۷)

شیرکو از جمله شاعران نوآور و متعهد معاصر است که نمی‌توانست نسبت به واقعیات جامعه بی تفاوت باشد. با این همه، وی به اصلاح امور در حکومت کوردستان ناامید می‌شود و به جرگه‌ی استقلال طلبان می‌پیوندد. زیرا بنا بر گفته‌ی ارسطو «تقریباً غیر ممکن است که شخصی در یک نظام سیاسی بعد؛ انسانی خوبی بشود» (بوشه، ۱۳۸۵، ۳۳۷).

"نمی‌توانم تاریخی را دوست داشته باشم فقط بوی سوخته‌ی گیسو و بیکر زن از آن به مشام برسد/ نمی‌توانم آینه‌ی ای را دوست داشته باشم وقتی در مقابلش می‌ایستم، شب و روز فقط آلبومهای خون و انتقام را نشانم بدهد/ ... من نمی‌توانم، نه نمی‌توانم، نه نمی‌توانم! من اکنون میهن خود را یافته‌ام/ میهن جدید من دختری است به میهن پیر و عبوس شا شابهت ندارد" (شیرکو، ۲۰۱۲: ۲۸۵).

و واقعیت آن است که وقتی در یک نظام استبدادی، روابط حکومت با شهروندان بر زور، فریب، بی‌اعتمادی عمومی استوار باشد، مسلم است که آن‌ها به درون تهایی خود بجزند و روابط خود را با دیگر هموعان خود بگسلند. بدعنی است که این امر، آنان را غالباً هم بی هویت می‌کند و هم در اندوهی دایمی گرفتاری سازد. همانطور که شیرکو بدان اشاره می‌کند:

"بیزار بیزار بیزار شده‌ام/ از آنمه تیغهای سربریدن/ از آنمه گردباد خشم/ از آنمه جنگل انتقام/ بیزارم بیزارم از آنمه حکایتهای زنگار بسته‌ای که از طفولیت

سارتر، ژان پل (۱۳۴۸) ادبیات چیست، ترجمه ی ابوالحسن نجفی، تهران: زمان.

ستاری، جلال (۱۳۷۴)، اسطوره و رمز (مجموعه ی مقاله ها)، چاپ اول، تهران: سروش.

سنگری، محمدرضا (۱۳۸۰)، قد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، تهران: نشر پالیزان.

صرفی، محمدرضا (۱۳۹۳)، گستره ادبیات پایداری. نشریه ی ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ششم، شماره دهم، ص ۲۰۷-۲۳۷.

عطوات، محمد عبدالله (۱۹۹۸). «الاتجاهات الوطنیه فی الشعر الفلسطینی المعاصر من ۱۹۱۸ الی ۱۹۶۷، بیروت: دارالافاق الجدیده.

علی بابایی، یحیی (۱۳۸۳). عوامل مؤثر بر وحدت نخبگان، چاپ اول، تهران: پژوهشکده.

کافی، غلامرضا (۱۳۹۰ ش). «بررسی عنصر بصیرت و زمان آگاهی در شعر دفاع مقدس»، مجله ی ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره چهارم، ص ۴۷۷-۴۵۵.

کنفانی، غسان (۱۳۶۱) ادبیات مقاومت در فلسطین اشغالی. ترجمه ی موسی اسوار تهران: سروش.

کواکبی، عبدالرحمن (۱۳۶۳) طبیعت استبداد، ترجمه ی عبدالحسین میرزای قاجار، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات.

کویا، فاطمه (۱۳۹۰) «بین مایه های نمادین و شکردهای روانی در رمان دارمیه، مجله ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره چهارم، ص ۴۷۰-۴۷۰۳.

وحدیدا، فریدون (۱۳۸۷)، جامعه شناسی در ادبیات فارسی، چاپ اول، تهران: سمت.

وفایی، عباسعلی (۱۳۸۷). سفر در آینه، تهران: سخن.

آل بویه، علی (۱۳۹۰). جلوه های پایداری در شعر ابوالقاسم شابی، نشریه ی ادبیات پایداری. دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال دوم، شماره ی سوم ص ۲۷-۱.

آمیبدین، محمدرضا (۱۳۸۸). شعرای نامدادر کرد، چاپ اول، سنندج: آنا.

براهنی، رضا (۱۳۷۱)، طلا در مس، تهران: ناشر نویسنده.

بشیریه، حسین (۱۳۸۷)، لیبرالیسم و محافظه کاری، چاپ دوم، تهران: نشر نی.

بصری، محمد صادق (۱۳۷۶)، سیر تحلیلی شعر پایداری در ادبیات فارسی از مشروطه تا ۱۴۲۰، رساله دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

بصری، محمد صادق (۱۳۸۷)، «طرح و توضیح چند سؤال درباره مبانی ادبیات پایداری»، نامه ی پایداری: مجموعه مقالات اولین کنفرانس ادب پایداری، به کوشش تهران: بنیاد حفظ آثار.

بوشر، راجر، (۱۳۸۷)، نظریه های جباریت، ترجمه فریدون مجلسی، تهران: مروارید.

بیکس، شیرکو (۱۳۸۴)، گورستان چراغان، ترجمه: رضا کریم مجاور، چاپ اول، تهران: انتشارات یویان.

بیکس، شیرکو (۲۰۱۲)، اینک دختری میهن من است، (نیستنا کچینک نیشتیامه)، ترجمه ی سیامه فد شاسواری، سلجانه: انتشارات چاپ و پخش سردم.

حسین، قصبی (۱۹۷۲). الموت و الحیاه فی شعر المقاومه. بیروت: دار الرائد العربی.

خضر، عباس (۱۹۶۸) م، ادب المقاومه، القاوه، دارالکتاب العربی.

روشنفکر، کبری و دیگران (۱۳۸۹). درونمایه های مقاومت در شعر جواد جمیل با تأکید بر دفتر شعری (اشیاء حذفها الرقابه) نشریه ادبیات پایداری. دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال دوم، شماره سوم و چهارم. ص ۴۵۵-۴۷۷.

- 1 - البته میتوان برخی زمینه های شکل گیری ادبیات مقاومت را در موارد زیر یافت: الف- اختناق و استبداد داخلی و سلب آزادی های فردی و اجتماعی ب- استعمار و استثمار قدیم و جدید ج- غصب قدرت، سرزمین و سرمایه های ملی د- تجاوز به حریم ارزش های فردی، دینی، اجتماعی، تاریخی و ملی ه- قانون گریزی و قانون ستیزی پایگاههای قدرت و- جریان های دینی و غیر دینی و مکتب های فکری چون مارکسیسم و لیبرالیسم و ... (عباس خضر، ۱۰=۹۶۸: ۴۵)
- 2 - "نماد"، "رمز" یا "سمبل" (Symbol) بر تصویر محسوس و پیش و کم عینی اصلاقی می گردد که از ورای آن، اندیشه ای انتزاعی و غیر مادی نمود می یابد. فرایافت چنین امری یز چون برخی جلوه های صورخیال، مبتنی بر جریان «تداعی معانی» است که ارتباط بدیعی یا قراردادی میان پدیده ها حاصل می شود (ستاری، ۱۳۷۴، ۱۳)
- 3 - فتنی است که «وحدت اجتماعی شکلی از روابط اجتماعی است که در آن جو غالب، تعاون و همکاری است و اگر رقابتی هم وجود دارد این رقابت اغلب سازنده است. (علی بابایی، ۱۳۸۳، ۱۸)
- 4 - ک- J.P.Sarter
- 5 - شایان عنایت است که در طول جنگ های داخلی کمتر شاعری از شاعران بر اساس گرایش های سیاسی مختلف، در تأیید احزاب و حرکت های سیاسی خاص، شعر گفته باشد که این اشعار در تعارض با یکدیگر قرار بگیرد.